

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

▶ جایگاه خیال متصل و منفصل
▶ در ارتباطات زیارت در تفکر شیعی

مقدمه ►

- ۱. تفسیر زیارت به مثابه یک نظریه ارتباطی ►
- ۱.۲. ارتباطات و گفتگو ►
- گفتگو به مثابه فهم ►
- ۳. فهم هرمنوتیک و زبان ►
- ۴. زبان و تخیل ►
- ۵. ماهیت تخیل در هرمنوتیک معاصر ►
- ۶. خیال منفصل و متصل در حکمت شیعی ►
- ۷. زیارت زائر و مزور در خیال منفصل-متصل ►

۱. تفسیر زیارت به مثابه یک نظریه ارتباطی

- ▶ ۱. زیارت به مثابه یک کنش فردی نیز متضمن ارتباط است.
- ▶ زیارت جمعی به طور مضاعف متضمن ارتباط است.

۲. ارتباطات و گفتگو

► هر نوع نظریه ارتباطی مبتنی بر گفتگو میان دو یا چند طرف است.

۳. گفتگو به مثابه فهم

- ▶ ۱. نقد سوژه منفرد در جریان های مختلف فکری بعد از کانت نظیر
 - ▶ نوکانتی ها و تقدم ارزش های فرهنگی بر سوژه علمی
 - ▶ هوسرل، تاویل استعلایی اگو و بینادهنیت برای تحقق واقعیت در جهان زندگی (lebenswelt)
 - ▶ دیلتای و طرح او برای علوم انسانی مبتنی بر تجربه زندگی و هرمنوتیک
 - ▶ ۲. ضرورت گفتگو برای شناخت و فهم در:
 - ▶ بینادهنیت سوژه های منفرد در هوسرل
 - ▶ دیلتای و فهم هرمنوتیک (از حیث روان شناختی)
 - ▶ ۳. مارتین هایدگر و تاریخیت فهم
- نقد و تکمیل هوسرل و دیلتای در هستی و زمان

۳. گفتگو به مثابه فهم

۴. گادامر و ضرورت گفتگو با سنت تاریخی به عنوان شرط شناخت و فهم

«تمثیل گفتگو بیان روشنی از واقعۀ فهم بدست می‌دهد. در یک گفتگو آنچه از طرف مقابل درک می‌شود، محصول عمل من به عنوان طرف گفتگو نیست، بلکه این مخاطب من است که سرانجام به سخن در می‌آید و مراد خویش را آشکار می‌کند. من از قبل نمی‌توانم سخن او را کنترل یا پیش‌بینی کنم. از طرف دیگر این به زبان در آمدن در ظرف گفتگو حاصل می‌شود و سخن او از سوی من شنیده می‌شود. پس این آشکار شدن برای من اتفاق می‌افتد. بدین جهت فهم واقعۀ ای است که برای من اتفاق می‌افتد اما نتیجه عمل من برای روی مخاطب نیست، بلکه محصول عمل او نسبت به من است»

۵. هابرماس و هرمنوتیک انتقادی

۴. فهم هرمنوتیکی و زبان

۱. هایدگر و تلقی زبان به مثابه خانه وجود

۲. گادامر و نقش زبان در فهم

➤ نسبت هستی و زبان: «هستی ای که می توان فهمید زبان است» (حقیقت و روش، ۴۷۴).

➤ نسبت رویدادمندی فهم و زبان: «اگر از این دیدگاه اساسی هستی شناختی آغاز کنیم که هستی زبان است، ینی خویشتن را ارائه می دهد، همانطور که به واسطه تجربه هرمنوتیکی وجود خود را برای ما آشکار می کند، آنگاه نه تنها این نتیجه به دنبال می آید که زیبایی، خصلتی رویدادی دارد، بلکه ساختار رویدادی همه فهم ها ثابت می شود».

۵. زبان و تخیل

- ▶ ۱. هایدگر و تمایز دو تخیل تولیدگر (شاکله ساز) و بازسازنده (نقد قوه حکم) و روایتی هرمنوتیک از کانت با تاکید بر زبان
▶ هایدگر متأخر و شاعرانگی
- ▶ ۲. پل ریکور: تقدیم تخیل (و روایت زبانی) بر واقعیت
- ▶ بازتفسیر عصر تصویر جهان به زبان و روایت از طریق مفهوم رویت (vision)

۶. ماهیت تخیل در هرمنوتیک معاصر

- ▶ ۱. تحلیل هایدگر و ریکور از تخیل در نسبت با کانت نشان می دهد که تخیل در دوره معاصر، هیچ مابازاء متعالی و مرتبط با مابعدالطبیعه ندارد و حداکثر به عنوان تخیل تولیدگر یا بازسازنده قابل تفسیر است.
- ▶ اگر این نوع از تخیل را در حکمت اسلامی بازیابی کنیم، ناگزیر باید به تخیل متصل برسیم.

۷. خیال منفصل و متصل در حکمت شیعی

- ▶ ۱. اقلیم هشتم، ناکجا آباد، مجمع البحرين، ارض ملکوت، عالم خیال، شهر جابلقا یا جابلسا، عالم مثال معادل های حکمت شیعی برای عالم میانه عقول مجرد و عالم محسوس است.
- ▶ کربن معادل mundus imaginalis را در تمایز از imaginaire برگزید تا بر واقعی (و نه توهمی بودن) این عالم تاکید کند.
- ▶ بیان بنما که جابلقا کدام است / جهان و شهر جابلسا کدام است
- ▶ مشارق با مغارب هم بیندیش / چو این عالم ندارد از یکی بیش (شبستری)
- ▶ اگر از جابلقا تا جابلسا را بگردید مردی جز من و برادرم حسین (ع) را فرزند پیامبر نخواهید یافت (قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار: ج ۱: ۱۴۵).

۸. زیارت زائر و مزور در خیال منفصل-متصل

- ▶ ۱. اگر زیارت را حضور زائر عند المروز بدانیم، معنای حضور مستلزم توجه به ابعاد فرامادی است.
- ▶ این ابعاد فرامادی در عالم مثال و تخیل در ارتباط با عالم محسوس رقم می خورد.
- ▶ با این حال عالم محسوس در تفکر شیعی، میان عالم معقول و عالم محسوس قرار دارد و نازل منزله معقولات در عالم تخیل حضور دارد.
- ▶ بنابراین می توان اصل زیارت را به مثابه ارتباطی دانست که خیال متصل و منفصل رقم می خورد و از این حیث، یک نظریه ارتباطی مبتنی بر نگاه شیعی می تواند صورت بندی شود که از یک سو، عنصر تخیل، زبان مندی، گفتگو و فهم را در بر دارد و از سوی دیگر، گرفتار معضلات نسبی گرایي هرمنوتیکی نمی شود.